



روضه‌های خانواده حاج حسن جدیت از ۳۰ سال پیش شروع شده و ۶ سال است که در فضای باز برگزار می‌شود

تکیه‌ای به وسعت یک کوچه



●● اول از همسایه‌ها اجازه می‌گیریم

طیبه خانم می‌گوید: وقتی پدر خدایا بزرگوار بود، برادر بزرگم از ۱۰ شب، خرج دو شب رami دادا ما بعد از فوت پدر، همه مخارج را اقرار تا قبل کرد. ما خواهرها و برادرها هم ممکن است به اندازه توانمان کمک‌هایی داشته باشیم.

طیبه شروع می‌کند به توضیح دادن درباره مراسم: «شب اول سفره بهن می‌کنیم و آبگوشت می‌دهیم. باقی شب‌ها غذا را حاج رضادر خانه خودش درست و بسته بندی می‌کند

و اینجاست توزیع می‌کنیم.»

حاج رضا، پسر بزرگ خانواده پخت غذا را به لطف امام حسین (ع) می‌داند و می‌گوید: کنار آشپز کار نکردم. همین طوری دست به کار شدم و به لطف امام حسین (ع) غذاهایی که درست می‌کنم، خوب می‌شود.

طیبه ادامه می‌دهد: دهه اول محرم روضه‌های مادر است. بعدش ماد خترها هر کدام در خانه‌های خودمان در روزهای مختلف محرم و صفر روضه داریم. به چهل و هشتم که می‌رسد، باز در خانه مادر روضه داریم.

زهرخانم با تأکید می‌گوید: اول محرم می‌روم در خانه تک‌تک همسایه‌های این خیابان و از آن‌ها برای اینکه روضه را در فضای عمومی می‌گیریم، اجازه می‌گیرم. خیلی از این‌ها مستأجر هستند و هر سال عوض می‌شوند. نمی‌خواهم حق الناسی به گردنمان باشد. ولی به لطف امام حسین (ع) هر سال همه‌شان اعلام رضایت می‌کنند.

طیبه می‌گوید: همسایه‌های خوبی داریم. یکی لامپ آورده است جلوی خانه‌اش نصب کرده تا آنجا هم روشن باشد. همسایه دیگری برای شست و شوی خیابان شلنگ داد. یکی از آن‌ها کلید داده است تا وسایل را در حیاطش بگذاریم. هر کدام فرش و صندلی اضافه دارند، می‌آورند. خلاصه هر کدام به نوعی از برگزاری این روضه‌ها استقبال می‌کنند.

●● همسایه داری در محرم

حوریه عسگری که از همسایه‌های قدیمی است، از سیاه پوش شدن خیابان و پیچیدن صدای نوحه در آن خوشحال است و می‌گوید: حتی اگر کسی نتواند در مراسم حضور داشته باشد، از معنویت به وجود آمده در این کوچه فیض می‌برد. به نظر او برپایی این مراسم موجب دید و بازدید و احوالپرسی همسایه‌ها با یکدیگر و مشارکت آن‌ها در تمیز کردن خیابان شده است. این همسایه موقع مراسم، در خانه‌اش را باز می‌گذارد تا اگر کسی خواست، بتواند از سرویس بهداشتی داخل حیاط استفاده کند.

محمدفاضل رضایی نیز که چهارده سال است در همسایگی خانواده جدیت سکونت دارد، برق مورد استفاده برای میکروفون را تأمین می‌کند. او برگزاری این روضه‌ها در خیابان‌ها را مایه افتخار می‌داند و می‌گوید: کاشکی یک ماه باشد. عشق و ارادت به امام حسین (ع) باعث شده است که این همسایه‌ها در طول دهه اول محرم که می‌دانند هر شب مراسم برپاست، توجه بیشتری به نظافت کوچه داشته باشند. آن‌ها در این ایام در محل برگزاری مراسم، زیاده نمی‌گذارند و اگر بئایی یا هر کار دیگری داشته باشند تا قبل از برپایی مراسم آن را تمام می‌کنند و کوچه را تمیز نگه می‌دارند.

●● استقبال همسایه‌ها از برگزاری روضه در خیابان

طیبه، دختر آخر خانواده می‌گوید: از وقتی مراسم را در خیابان برگزار کردیم، خیلی بیشتر از قبل مورد استقبال قرار گرفت. علاوه بر عزاداران ثابت همیشگی، رهگذران خیابان، کسبه، بچه‌ها، نوجوانان و جوانان محل هم اضافه شدند. به ویژه قشر نوجوان و جوان آن قدر به ما ملحق شدند که به سخنرانان و مداحان می‌گوییم متناسب با نیاز و سلیقه آن‌ها مراسم را برگزار کنند.

به گفته او ابتدای مراسم میکروفون را در اختیار کودکان و نوجوانان می‌گذارند تا آن‌ها مداحی کنند یا قرآن بخوانند. زهرخانم ادامه می‌دهد: بچه‌ها آزادند. ابد کسی به آن‌ها چیزی نمی‌گوید که ناراحت شوند. مجلس حسین (ع) است و باید طوری رفتار کنیم که بچه‌ها به این مراسم علاقه مند شوند. بعد هم شروع می‌کنند به ابراز ارادت به امام حسین (ع): «هر چه داریم از لطف امام حسین (ع) است. این مراسم هم توفیقی است که خدا به ما داده. هر چه در راه امام حسین (ع) دهیم کم است.»

او دست‌ها و سر و گردن بدون التگو و تلاطش را نشان می‌دهد و می‌گوید: اهل تلا نیستیم. دلم می‌خواهد هر چه دارم در راه امام حسین (ع) خرج کنم. خدا را شکر، بچه‌هایم هم حسینی هستند. من حالا دیگر خیلی توان ندارم. همه کارها را این‌ها انجام می‌دهند. خدا خیرشان دهد که تمیزکاری و جمع و جور باد خترهاست. نوه‌ها هم پذیرایی می‌کنند.

زهرخانم یاد همسرش می‌کند و می‌گوید: خدایا مراز خیلی دوست داشت که بعد فوتش این مراسم ادامه داشته باشد. پسر بزرگم آن را بر عهده گرفت. اجرش با امام حسین (ع). الان هم به بچه‌هایم می‌گویم وقتی من مُردم، این مراسم را ادامه دهید.

●● حفظ کردن هیئت آل یاسین

وارد خیابان نادعلی زاده ۸ که می‌شویم، پیدا کردن خانه خانواده جدیت کار سختی نیست. پرچم‌ها به خوبی نشان می‌دهد که باید کدام سمت برویم. زنگ خانه سه طبقه‌شان را می‌زنیم و از همان بدو ورود، شور و حال میزبانی اهالی خانه موج می‌زند. پسر بچه‌ها در حال نصب پرچم‌ها هستند. از حیاط خانه صدای جابه‌جا کردن قابلمه‌های بزرگ می‌آید. طیبه و خواهرش، فاطمه دارند سبزی‌ها را شست و شو می‌دهند. معصومه در حال جابه‌جایی و مرتب کردن ظرف‌های آشپزخانه است. طاهره دارد خانه را جارو می‌زند و....

از مرحوم حاج حسن جدیت هفت دختر و پنج پسر به یادگار مانده است که در این ایام، همه به نوعی در برگزاری مراسم عزای سیدالشهدا (ع) مشارکت دارند و هر کدام یک گوشه کار را در دست می‌گیرند.

زهرارضی، مادر خانواده، تعریف می‌کند: خدایا مراز حاج آقا از قدیم ارادت خاصی به ائمه (ع) و به ویژه امام حسین (ع) داشت. پسرانش هم مثل خودش اهل روضه و هیئت بودند. حدود سال ۷۰ وقتی دید هیئت جوانان آل یاسین که پسر در آن عضو بود، جایی برای برگزاری مراسم دهه اول محرم ندارند، گفت مراسم را خانه ما بیاورند.

هیئت آل یاسین از سال ۹۶ دیگر مراسمش را اینجا برگزار نکرد ولی مرحوم حاج حسن جدیت، همچنان چراغ عزاداری دهه اول محرم را در خانه‌اش روشن نگه داشت و حتی در این راستا هیئتی به نام آل یاسین پیر غلامان به ثبت رساندند. در این سال‌ها خانه سه طبقه او در محله استاد یوسفی در دهه اول محرم، میزبان عزاداران حسینی است. در زمان شیوع کرونا که مرحوم جدیت نمی‌خواست روضه‌ها متوقف شود، تصمیم می‌گیرد در خیابان روضه‌ها را برگزار کند و این امر با اعلام رضایت همسایه‌ها محقق می‌شود.